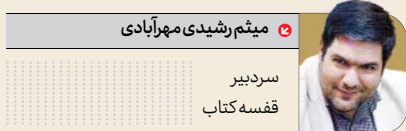


درنشستی با محمد مظفرپور ترجمه‌هایش را مورد بررسی قرار دادیم؛ کتاب‌های

بشر با برق بیچاره

بسیاری از بیماری‌هایی که دچارش هستیم به دلیل حساسیت به الک

است. ترجمه را با علاقه شخصی دنبال کرده و ۱۸ ماه در مرکز بررسی‌های راهبردی دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام به‌عنوان مترجم کار کرده‌است. آنچاهم چند جلد کتاب ترجمه کرده که یکی از آنها با نام «زمامداری توحش» توسط انتشارات سروش منتشر شده است. حوزه کاری‌اش سیاسی بوده و همزمان با کرونا



میثم رشیدی مهرآبادی
سردبیر
قفسه کتاب
محمد مظفرپور، کارشناسی آموزش زبان انگلیسی دارد و مترجم

بچه حزب‌اللهی تندرو با خواندن این کتاب بگوید اینها می‌خواهند جمهوری اسلامی از پیشرفت جا بماند. من نمی‌خواهم در مسائل سیاسی بحث کنم؛ باید در حوزه مسائل بنیادین گفت‌وگو کرد. آدم‌ها هر چقدر هم ایدئولوژیک باشند در نهایت در لایه کارشناسی عمل می‌کنند و آن لایه است که معلوم می‌کند از چه چیزی استفاده کنیم و چه کنیم؟ در آن لایه کارشناسی چه می‌گذرد؟

❶ در دوران کرونا هم این موضوع، نمود بیشتری پیدا کرد...

در دوران کرونا دیدیم کسی مثل عباس عبدی و کانال وابسته به نهادهای وفادار به نظام، موضع‌گیری یکسانی داشتند و تاکید می‌کردند باید واکنس ساخته شود چون مسأله علمی بود و این دو نگاه به هم می‌رسیدند. این یکی از ویژگی‌های این آثار است که می‌تواند جریان و بحث ایجاد کند.

ویژگی دوم این است که کتاب مدنظر نه علوم انسانی صرف باشد نه علوم تجربی صرف، بلکه در میانه باشد و در نقطه‌ای عمل کند که هم روی این حوزه اثر بگذارد و هم روی آن حوزه.

ثانیا نه کاملاً تخصصی باشد که فقط به درد متخصصان بخورد و نه کاملاً عامیانه باشد که بحث را به ابتدال بشانند. بسیاری از متخصصان، این مباحث را می‌دانند ولی چون حرفشان به جایی نمی‌رسد چیزی نمی‌گویند. استاد متخصص بیوفیزیک، دانشگاه تهران می‌گوید چون می‌دانم موبایل چقدر خطرناک

است برآیند استفاده من از موبایل در سال به دوساعت نمی‌رسد. از طرفی هم اگر کتابی فقط به درد عموم مردم بخورد و آورده‌ای تخصصی برای طیف کارشناس نداشته باشد، بحث به بحثی عرفی، سخیف و سطحی تبدیل خواهد شد. مثل بسیاری از انتقاداتی که در زمان کرونا به واکنس می‌شد و در حقیقت نقد درستی بود ولی افراد نمی‌توانستند حرف



پیام این کتاب که

حاصل ۴۰ سال

تحقیق مولف

است در یک جمله

خلاصه می‌شود:

«بشر با رفتن

سراغ برق، خود را

بیچاره کرد»



تا معیشت مردم را تأمین کنند. نهایت این راه این است که سرعت اینترنت بالا برود و باید فناوری جدید بیاید. تمام نامزدهای ریاست جمهوری می‌گفتند باید به نظر کارشناسان اهمیت داد و به علم توجه کرد. اگر علم به این نتیجه رسید که فلان فناوری برای جان مردم خطرناک است آیا شما می‌توانید پای حرف‌تان بایستید؟ از یک سو نگران سلامت مردم هستید و از سوی دیگر اگر جلوی 5G را بگیرید به ضد علم بودن متهم می‌شوید. آیا به این تعارضات فکر می‌کنید؟ اینجا است که موضع‌گیری‌ها عوض می‌شوند.

❷ شما هم موافقت کنید که کتاب افسانه روشنایی به شدت ضد فناوری است؟

شاید کل مدرنیته چنین کتابی را به خود ندیده باشد. پیام این کتاب که حاصل ۴۰ سال تحقیق مولف است در یک جمله خلاصه می‌شود: «بشر با رفتن سراغ برق، خود را بیچاره کرد» با این حال اما یکی از ویژگی‌های جالب این کتاب این است که می‌شود برای توسعه فناوری از آن استفاده اساسی کرد. دانش‌هایی که زمانی وجود داشتند و امروز به محاق رفته‌اند از این طریق برجسته می‌شوند. همچنین می‌توان ایده‌هایی گرفت و به سمت فناوری‌های دیگر رفت. این کتاب قدرت بحث‌آفرینی دارد. می‌تواند دوقطبی ایجاد کند اما نه دوقطبی سیاسی. ابتدا فکر می‌کردم مهندسان برق مخالف این کتاب باشند یا شاید مثلاً بچه حزب‌اللهی‌ها طرفدار این کتاب شوند ولی این طور نبود. شما می‌توانید مدیری رده بالا در صنعت برق باشید ولی با این کتاب همراهی کنید چون با خواندن این کتاب متوجه می‌شوید بسیاری از بیماری‌هایی که دچارش هستید به دلیل حساسیت به الکترومغناطیس است. در مقابل نیز شاید یک

❸ انتشار چند کتاب، شما را به فکر ورود به عرصه تالیف

نمیدانسته است؟

نه، عجله‌ای ندارم. کتاب‌های خوب زیادی برای ترجمه هستند که باید ترجمه شوند. دیگران زحمت تالیف این کتاب‌ها را کشیده‌اند و بهتر است همین‌ها معرفی شوند.

❹ روش شما برای پیدا کردن این کتاب‌ها چیست؟

یکسری قواعد کلی را لحاظ می‌کنم، ولی این قواعد هیچ‌وقت دقیق نیستند. مثلاً می‌گویم کتابی که نوشته شده منابع خوبی دارد یا نه؟ این یک ملاک است. به‌طور مثال کتابنامه افسانه روشنایی حدود ۱۲۰ صفحه بود. آیا نویسنده، تخصصی در این حوزه دارد یا ندارد؟ وقتی یک روزنامه‌نگار در مورد پزشکی حرف می‌زند متفاوت است از این‌که یک پزشک در مورد پزشکی صحبت کند. اینها شواهدی ضمنی هستند که نشان می‌دهند شاید کتاب حرفی برای گفتن داشته باشد، ولی ملاک نهایی نیست. ملاک نهایی این است که کتاب به‌بازر بیاید و خوانده شود و استادان در مورد آن نظر بدهند. من در مورد کتاب صنعت و ویروس بازی با استادان و ویروس‌شناسی گفت‌وگو کرده‌ام.

❺ با چه مکانیسمی از انتشار کتاب‌های جدید این حوزه مطلع می‌شوید؟

در اینترنت جست‌وجو می‌کنم. تصور بر این است که کتاب‌های خلاف جریان اصلی نباید در اینترنت پیدا شوند، ولی این طور نیست. بسیاری از این کتاب‌ها را می‌توان در آمازون پیدا کرد. در حالی که آمازون نماینده جریان اصلی است و طبیعتاً این کتاب نباید در آمازون باشد؛ اما اجازه می‌دهند کتاب منتشر شود، ولی در برآیند به راحتی اجازه نمی‌دهند آن نگرش قدرت پیدا کند. یک سوپاپ اطمینانی می‌گذارند و اجازه می‌دهند اثر چاپ شود. این یک ریزه‌کاری است، ولی ما از این فوت‌وفن‌ها بلد نیستیم. این مباحث طرفدار و مشتری فراوان دارند. از این مسیر پز آزاداندیشی داده می‌شود که ما همه سلیقه‌ها را در نظر گرفته‌ایم.

❻ شما هم به دنبال «بازار خوب» و «مشتری خاص» این مسیر را انتخاب کردید؟

من این مسیر را هدفمند شروع کردم. اهداف من چندبعدی است. یک بُعد، ترجمه کتاب‌هایی است که بتوانند در جامعه بحث و گفت‌وگو ایجاد کنند. البته نه بحث‌های سیاسی بلکه بحث‌هایی جدی از دل علم و فناوری تا فضای جامعه را از سیاست‌زدگی خارج کند. بالاخره می‌خواهیم با فناوری چه کار کنیم؟ آیا فناوری به نفع ماست یا نه؟ وقتی چنین سوالاتی مطرح می‌شود می‌بینیم موضع‌گیری‌های قبلی عوض می‌شوند و جناح‌بندی‌ها به هم می‌ریزند. ادعای من این است که قصد حاکم کردن یک تفکر خاص را دارم بلکه می‌خواهم روی نقاط و مسائلی دست بگذارم که بحث‌های جدی ایجاد می‌کنند.

هرکسی رئیس‌جمهور شود نهایتاً باید چند کارشناس استخدام کند

نویسنده کتاب «هوش مصنوعی» کیست؟



اریک لارسون دکترای فلسفه دارد و متخصص علوم رایانه هم هست. او مهندسی اهل فلسفه است. هرکدام از این دو گروه، حرف خود را دارند.

فلاسفه حرف خود را می‌زنند و بیشتر وارد کلیات می‌شوند و مهندسان کامپیوتر هم عقاید خود را دارند و می‌گویند دنیا از آن ماست.

برخلاف عنوان کتاب، لحن نویسنده چندان تند نیست و برخلاف کتاب افسانه روشنایی آنچنان ضد فناوری نیست. نویسنده در بخش‌هایی از کتاب

به‌تندی به هوش مصنوعی می‌تازد ولی گاه ترمز را می‌کشد. قیاس و استقرا دو روش شناخت هستند که مبنای هوش مصنوعی قرار گرفته‌اند. این دو روش، ایراد اساسی دارند که هیچ‌وقت قابل حل نیست مگر روش دیگری اختراع کنیم. ذهن انسان فقط قیاسی یا استقرایی رفتار نمی‌کند. ذهن انسان پیچیده‌تر